

روستا و توسعه، سال ۲۴، شماره ۹۳، بهار ۱۴۰۰

DOI: 10.30490/RVT.2021.342765.1217

### مقاله پژوهشی

## تأمین مالی روستاییان در فضای تأمین مالی کشاورزی: مطالعه موردی کشورهای هند، چین و ترکیه\*

ناصر شاهنوشی<sup>۱</sup>، لیلی ابوالحسنی<sup>۲</sup>، الهه اعظم رحمتی<sup>۳</sup>، رؤیا محمدزاده<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱

### چکیده

پژوهش حاضر، با مطالعه نظام‌ها و شیوه‌های تأمین مالی روستایی و کشاورزی کشورهایی همچون هند، چین و ترکیه، بر آن بود که ضمن درک بهتر سازوکارهای اعتباری اجرا شده توسط نهادهای تأمین مالی در این کشورها، به طراحی یک نظام تأمین مالی مستحکم‌تر و کارآمدتر برای

---

\* مقاله حاضر برگرفته از طرح تحقیقاتی «تجربه کشورهای منتخب در تأمین مالی بخش کشاورزی» است که به سفارش مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی انجام شده است.

۱- نویسنده مسئول و استاد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (shahnoushi@um.ac.ir)

۲- دانشیار اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳- دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

تأمین مالی روستایی در فضای تأمین مالی کشاورزی کشور پیردازد. اگرچه عوامل سیاسی، اقتصادی و نیز میراث جغرافیایی و تاریخی، بخش کشاورزی و به تبع آن، تأمین مالی این بخش را در هر کشوری متأثر و منحصربه‌فرد می‌سازد، اما معمولاً بررسی تجارب کشورهای مختلف می‌تواند ضمن روشن ساختن مسیر، به سازمان‌دهی نظام تأمین مالی بهینه برای این بخش کمک شایانی کند. بنابراین، با بررسی نظام‌های مالی مختلف بخش کشاورزی، می‌توان در راستای رسیدن به هدف تأمین مالی پایدار بخش کشاورزی، به چارچوبی مشترک دست یافت. در پژوهش حاضر، با توجه به دستاوردها و نتایج بررسی مدل‌های تأمین مالی کشاورزی در کشورهای منتخب، فرآیند تأمین مالی طراحی‌شده برای بهبود نظام مالی کشاورزی کشور ارائه شد. در این مدل، سعی شد که با اصلاح بنیادین در ساختار و شیوه‌های اعطای وام در بخش کشاورزی توسط مؤسسات مالی و اعتباری و ایجاد انعطاف‌پذیری در پرداخت وام، از یک‌سو، هزینه‌های مبادله کاهش یابد و از سوی دیگر، اعتبار مورد نیاز کشاورزان در زمان مناسب تأمین شود. در چارچوب طراحی‌شده، با توجه به اهمیت زیربخش‌ها در ارزش افزوده بخش کشاورزی، شناسایی فعالیت‌ها و خدمات دارای بیشترین اولویت و نیز دارای بیشترین معوقات در بازپرداخت تسهیلات برای بهبود وصول مطالبات با روش‌های جایگزین ضروری می‌نماید.

**کلید واژه‌ها:** تأمین مالی، روستاییان، کشاورزی، خدمات مالی، ابداعات مالی.

## مقدمه

بخش کشاورزی، به‌دلایلی همچون تأمین غذای جامعه، ایجاد درآمد، تولید مواد خام مورد نیاز سایر بخش‌های اقتصادی، ایجاد اشتغال سریع و گسترده، ایجاد توازن در بازار کار و سرمایه، عدم نیاز به فناوری و تخصص‌های بسیار پیچیده، نیاز به سرمایه ارزی اندک، کوتاه بودن زمان بازگشت سرمایه و بسیاری مزیت‌های دیگر، از اهمیت به‌سزا در اقتصاد هر کشوری برخوردار است. همچنین، رشد روزافزون جمعیت در جهان امروز نیاز به فرآورده‌ها و محصولات کشاورزی را افزایش داده و در نتیجه، فشار بر منابع پایه و نهاده‌های ضروری برای تولید در این بخش را بیش از پیش پررنگ ساخته است. سرمایه یکی از مهم‌ترین نهاده‌های

مورد نیاز برای انجام تمام فعالیت‌های اقتصادی است (Kazemiyan, 1996). هرچند، بخش کشاورزی از نظر تولید غالباً یکی از بخش‌های بااهمیت در اقتصاد کشورهای در حال توسعه است، اما به نسبت عملکرد و ظرفیت‌های این بخش و نیز در مقایسه با سایر بخش‌ها، میزان تشکیل سرمایه در آن قابل توجه نیست. البته باید توجه داشت که بخش کشاورزی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر بخش‌ها متمایز می‌کند و توجه به تأمین مالی این بخش را ضروری می‌سازد. در این بخش، غالباً میان پرداخت‌ها و دریافت‌ها تأخیری وجود دارد که به دلیل ماهیت تولیدات کشاورزی است (Pajouyan and Farzin Motamed, 2006). از این رو، گذار موفقیت‌آمیز بخش کشاورزی از وضعیت کشاورزی دهقانی و سنتی به کشاورزی تجاری و نوین، نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر و به‌ویژه سرمایه‌گذاری برای تغییرات فناوری است (Bagheri et al., 2011). لازمه این سرمایه‌گذاری استفاده کارآ از عامل سرمایه است. بنابراین، کمبود سرمایه و اعتبار از مهم‌ترین عواملی است که از سوی سیاست‌گذاران توسعه به‌عنوان عامل بازدارنده در مسیر کاربرد و پذیرش فناوری‌های جدید توسط کشاورزان سنتی پیش‌بینی و تأکید شده است (Hosseini and Zibaei, 2015)، چراکه تشویق و تحریک فعالان بخش کشاورزی برای انجام فعالیت اقتصادی در این بخش و ارتقای کارآیی و بهره‌وری تولیدات آن مستلزم اعطای تسهیلات و اعتبارات بانکی در راستای حمایت از تولیدکنندگان است. با این همه، ناگفته پیداست که مجموع اعتبارات و تسهیلات قابل اعطا به متقاضیان در بخش کشاورزی محدود و البته، تعداد متقاضیان و زیربخش‌های متقاضی این تسهیلات نیز زیاد است (Karimi and Zahedi Keyvan, 2010).

در ایران، دلایل دیگری نیز بر اهمیت وجود اعتبارات در بخش کشاورزی می‌افزاید که از آن میان، می‌توان به سهمیه‌بندی اعتبارات، خطر زیاد فعالیت در بخش کشاورزی و درآمد اندک واحدهای بهره‌برداری کوچک اشاره کرد. به همین دلیل است که هر ساله، بخشی از بودجه دولت به تأمین مالی این بخش اختصاص می‌یابد. با توجه به محدودیت‌های فراوان در زمینه تأمین منابع مالی سرمایه مورد نیاز کشاورزان (از جمله پایین بودن پس‌انداز در میان

کشاورزان و همچنین، محدودیت در پرداخت کمک‌های دولت)، نقش اعتبارات نظام بانکی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی حائز اهمیت فراوان است، زیرا این اعتبارات می‌تواند مکمل پس‌اندازها و سرمایه‌های محدود کشاورزان باشد. اعطای اعتبارات به تولیدکنندگان کشاورزی این امکان را فراهم می‌کند که نقدینگی مورد نیازشان را برای دوره‌های زمانی مختلف تولید تأمین کنند. از این‌رو، ایجاد بازارهای مالی روستایی - کشاورزی کامل‌تر، کارآمدتر، رقابتی‌تر و پایدارتر برای دوام این بخش ضروری و حیاتی است. پژوهش حاضر، با مطالعه نظام‌ها و روش‌های نوین تأمین مالی کشاورزی کشورهای هند، چین و ترکیه، بر آن است که ضمن درک بهتر سازوکارهای اعتباری اجرا شده توسط نهادهای تأمین مالی در این کشورها، به طراحی نظام تأمین مالی مستحکم‌تر و کارآمدتر برای بخش کشاورزی و روستایی کشور پردازد. در توسعه چنین نظام مالی، باید کشاورزان در هر مقیاسی از فعالیت کشاورزی دسترسی بهتری به تأمین مالی داشته باشند. بر اساس نتایج بررسی کشورهای یادشده در پژوهش حاضر، راهنمایی‌هایی برای سیاست‌گذاری سازگار با اصول مالی و نوآورانه در اختیار دست‌اندرکاران قرار می‌گیرد که در درجه اول، کمکی برای سیاست‌گذاران مسئول تنظیم، مدیریت و مراقبت نظام تأمین مالی کشاورزی و همچنین، تلاشی در راستای تأمین اهداف مدیران نهادهای تأمین مالی روستاییان در فضای تأمین مالی کشاورزی است؛ و در واقع، در یک بیان کلی، کمکی برای تدوین یک چارچوب سیاست تأمین مالی مناسب در بخش کشاورزی است.

### روش تحقیق

از آنجا که پژوهش‌های گسترده در زمینه روش‌های تأمین مالی بخش کشاورزی کشورهای منتخب صورت گرفته، آمارهای منتشر شده در قالب کتب و نشریات و همچنین، وبگاه‌های معتبر جهانی تهیه شده است؛ از این‌رو، تحقیق حاضر یک مطالعه تجربی، توصیفی و اسنادی محسوب می‌شود.

## نتایج و بحث

### تجارب نظام تأمین مالی کشاورزی در کشورهای منتخب

با مطالعه نظام تأمین مالی کشاورزی و روستایی در کشورهای هند، چین و ترکیه، می‌توان مشاهده کرد که به‌منظور بهبود دسترسی کشاورزان به منابع مالی، هر کدام از این کشورهای منتخب از سیاست‌ها و برنامه‌های آزمایشی متعدد بهره‌جسته‌اند که انگیزه این برنامه‌ها و سیاست‌ها عمدتاً نهادینه‌سازی ارائه پشتیبانی اعتباری به‌موقع و کافی برای تمام انواع کشاورزان (به‌ویژه کشاورزان کوچک و حاشیه‌ای) در راستای افزایش تولید و بهره‌وری است. مطالعه حاضر، با بررسی نظام تأمین مالی کشاورزی و معرفی مهم‌ترین خدمات و مدل‌های نوآورانه برای تأمین مالی کشاورزی، راه‌هایی را برای توسعه بیشتر کانال‌های تأمین مالی این بخش پیش می‌کشد که از این رهگذر، فرصت‌های قابل توجه برای ایجاد توان رشد بخش کشاورزی کشورهای یادشده از طریق بهبود تأمین مالی کشاورزی ایجاد شده است. به‌طور کلی، رویکردهای مربوط به تأمین مالی بخش کشاورزی در این سه کشور را می‌توان در قالب تقسیم‌بندی‌هایی ارائه کرد که در پی، برای هر رویکرد، نمونه‌های موردی هر کدام از این کشورها تشریح می‌شود.

### الف) رویکرد سنتی

رویکرد سنتی معمولاً بیانگر سطح بالایی از مداخله به شکل تسهیلات اعتباری هدفمند از طریق مؤسسات مالی و تحت مدیریت دولت است؛ برای نمونه، بر اساس نتایج بررسی کشور هند، بانک ملی کشاورزی و توسعه روستایی<sup>۱</sup> یکی از اولین نهادها برای ارائه اعتبار در مناطق روستایی این کشور بوده و در واقع، سازمانی است که در رأس همه موضوعات مرتبط با جنبه‌های سیاسی، برنامه‌ریزی و عملیاتی در زمینه اعتبار برای ترویج فعالیت‌های کشاورزی و دیگر فعالیت‌های وابسته بدین بخش در مناطق روستایی تحت نظارت دولت هند فعالیت کرده است و هم‌اینک نیز فعالیت می‌کند. تأمین مالی مجدد بانک ملی کشاورزی و توسعه روستایی

1. National Agricultural Bank and Rural Development (NABARD)

هند برای تعاونی‌های کشاورزی و بانک‌های توسعه روستایی دولتی<sup>۱</sup>، بانک‌های روستایی منطقه‌ای<sup>۲</sup>، بانک‌های تجاری<sup>۳</sup> و سایر نهادهای مالی توسط بانک مرکزی هند<sup>۴</sup> (RBI) تصویب شده است (Ramakrishna, 2016; Kumar, 2014). در چین، نظام تأمین مالی روستایی اساساً شامل بانک کشاورزی و توسعه چین<sup>۵</sup>، بانک کشاورزی چین<sup>۶</sup>، بانک پس‌اندازهای پستی چین<sup>۷</sup>، تعاونی‌های اعتبار روستایی<sup>۸</sup>، بانک تعاونی روستایی<sup>۹</sup>، بانک تجاری روستایی<sup>۱۰</sup> و انواع مختلف نهادهای تأمین مالی است. بنابراین، نهادهای مالی رسمی اصلی عمل‌کننده در حوزه روستایی و کشاورزی چین شامل چهار نهاد مهم است که همه آنها تحت صلاحیت بانک خلق چین هستند و هر کدام برای خدمت به اقتصاد روستایی چین عملکرد و راهبردهای تخصصی خاص خود را دارند (Duwal and Sun, 2013; Linghui and Hare, 2013).

در ترکیه نیز در حال حاضر، سه نوع بانک دولتی شامل بانک کشاورزی<sup>۱۱</sup>، بانک مردمی<sup>۱۲</sup> و بانک بنیادی<sup>۱۳</sup> وجود دارد که هر کدام از این بانک‌ها به‌نوبه خود، در سیاست عمومی این کشور، جایگاه ویژه خود را دارد. بانک کشاورزی ترکیه قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین بانک این کشور است که بر وام‌دهی به بخش کشاورزی تمرکز می‌کند، اما بازار هدف آن گسترده‌تر است (Carter, 2013).

1. State Co-operative Banks (SCBs)

2. Regional Rural Banks (RRBs)

3. Commercial Banks (CBs)

۴- بانک مرکزی یا رزرو بانک هند (Reserve Bank of India)؛ متفاوت با بانک دولتی هند (State Bank of India) که با نام

اختصاصی SBI، به‌عنوان بانک مرکزی هند نیز شناخته می‌شود.

5. Agriculture and Development Bank of China (ADBC)

6. Agricultural Bank of China (ABC)

7. Postal Saving Bank of China (PSBC)

8. Rural Credit Cooperatives (RCCs)

9. Rural Cooperatives Bank (RCoB)

10. Rural Commercial Bank (RCB)

11. Ziraat Bank

12. Halk Bank

13. Vakif Bank

این مؤسسات به دریافت وام‌های ترجیحی و وام‌دهی به مشتریان با نرخ‌های بهره پایین تر از نرخ بازار می‌پردازند. این رویکردی بوده که از دهه ۱۹۵۰ تاکنون، در جهان به کار گرفته شده است و به موجب آن، دولت‌ها و حامیان سعی می‌کنند که از طریق ابزارهای اداری، با ایجاد نهادهای اعتباری خاص، دسترسی کشاورزان به اعتبار را بهبود بخشند. تخصیص اعتبار در این شیوه اغلب مشمول یارانه می‌شد که به موجب آن، دخالت دولت در بازارهای اعتبار کشاورزی گسترده بود. در بسیاری موارد، برنامه‌های اعتبار کشاورزی یارانه‌ای برای ارائه وام‌های کم‌هزینه به کشاورزان و همچنین، ترویج توسعه ایجاد می‌شد. از ویژگی‌های اصلی این برنامه‌های اعتباری نرخ‌های بهره پایین و یارانه‌ای، اهداف وام‌دهی تحمیلی دولت و سهمیه‌های اعتباری، هزینه‌های عملیاتی بالا و روش‌های اداری دشوار بود. این برنامه‌ها یک بار مالی فوق‌العاده برای دولت‌ها ایجاد کرده، مانع توسعه بازارهای اعتبار کشاورزی می‌شد. راهبردهای سنتی معمولاً به جای اهداف بلندمدت برای گسترش پایدار درآمد بخش کشاورزی، اهداف کوتاه‌مدت را برای دستیابی به منافع تولید کشاورزی دنبال می‌کنند. یارانه‌ها به شکل نرخ‌های وام‌دهی ترجیحی و سقف مبلغ اعطایی (به منظور جبران عدم بازپرداخت‌های احتمالی) بیشتر شامل حال کشاورزان ثروتمند و بانفوذ می‌شود و در نتیجه، دسترسی فقرا به اعتبارات را کاهش می‌دهد. تسهیلات اعتباری کشاورزی یارانه‌ای، در برخی مواقع، باعث ناکارآمدی تولید می‌شود و در مواردی نیز در نتیجه تشویق فناوری کشاورزی بیش از حد سرمایه‌بر و اعطای وام‌های با بهره پایین، به جابه‌جایی نیروهای کار کشاورزی و افزایش بیکاری در بخش کشاورزی می‌انجامد. در برخی موارد، یارانه‌های نرخ بهره منجر به انحراف وجه اعتباری به سمت استفاده‌های غیرکشاورزی می‌شدند؛ از این رو، تلاش‌هایی برای پیوند بازارهای اعتبار رسمی و غیررسمی با ترویج توسعه نهادهای نیمه‌رسمی صورت گرفت، که اغلب ناموفق بود. تعاونی‌های اعتبار کشاورزی یک روش تحویل اعتبار به کشاورزان بود که اغلب به نهادهای کشاورزی و ماشین‌آلات بستگی داشت؛ اما مانند دیگر نهادهای نیمه‌رسمی، این تعاونی‌ها نیز از کنترل‌های اداری ناقص، عدم تصمیم‌گیری مستقل، عدم انعطاف و هزینه‌های اداری بالا رنج

می‌بردند. بنابراین، تأمین مالی کشاورزی عمدتاً به بخش خصوصی و در برخی موارد، به کانال‌های غیررسمی محدود می‌شد؛ و البته در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، چند بانک محلی به‌طور جدی در بخش تأمین مالی کشاورزی فعالیت داشتند، که اغلب از زیرساخت (شعب روستایی)، سازوکارها و فناوری‌های تخصصی و مناسب برخوردار نبودند.

برای فاتح آمدن بر ضعف‌های رویکرد سنتی، از جمله دیدگاه‌هایی جدید در زمینه تأمین مالی کشاورزان که از اوایل دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت، ایجاد مؤسسات نیمه رسمی یا شبه‌رسمی بود که علاوه بر تأمین مالی بخش کشاورزی، برنامه‌هایی آموزشی ارائه می‌دهد که می‌تواند استفاده افراد از وام خود را مفیدتر سازد. موفقیت این مؤسسات اغلب به‌علت رد فرضیه و تصورات قدیمی در زمینه وام‌دهی بوده است. برای نمونه، این مؤسسات جایگزینی برای وثیقه پیدا کرده‌اند، به‌گونه‌ای که به مردم در پس‌انداز کمک می‌کنند و با ارائه راهکارهایی نظیر اعطای وام به‌صورت گروهی تا حد زیادی این مانع را برطرف ساخته‌اند. تجربه کشور هند در این زمینه نشان می‌دهد که تشکیل مؤسسات تأمین مالی بر اساس شیوه‌های خودیاری نقشی به‌سزا در کاهش هزینه‌های عملیاتی، درجه پایداری و خودکفایی مؤسسات مالی خرد دارد که از جمله دلایل آن، جذب بیشتر پس‌اندازها توسط این مؤسسات است. گروه‌های خودیار به مؤسسات مالی خرد این امکان را می‌دهند که در سطوح گسترده‌تر، به ارائه کمک‌های مالی خود پردازند. این دیدگاه به مقوله تأمین مالی کشاورزان به‌منزله فرآیند واسطه‌گری مالی می‌نگرد و آن را مبادله دارایی‌ها و بدهی‌های مالی میان فعالان اقتصادی روستا می‌داند. در این رهیافت، تجهیز پس‌انداز روستاییان به‌عنوان یکی از ابعاد مهم تأمین مالی کشاورزان مورد توجه قرار گرفته و بر نقش غیرمستقیم دولت و حذف یارانه‌ها تأکید شده است. توصیه رهیافت جدید به دولت‌ها آن است که کمبودهای بازار مالی را نه از راه ورود مستقیم در کار واسطه‌گری مالی، بلکه از راه اصلاحات قانونی لازم برطرف کنند. بنابراین، در رهیافت جدید، مؤسسات مالی به‌صورت مستقیم زیر پوشش دولت نیستند و از طریق اصلاح قوانین مالی کشور و وجود



برخی تسهیلات ویژه در چارچوب قوانین پولی عمل می کنند که مهم ترین عامل پیشرفت آن تجهیز پس انداز به جای تکیه کامل بر کمک های دولتی است.

در کنار تغییرات تازه در نظام تأمین مالی کشاورزی کشورهای منتخب- مانند شکل گیری مؤسسات نیمه رسمی- برای غلبه بر ضعف های نظام سنتی تأمین مالی بخش کشاورزی، خدمات مالی نوآورانه برای توسعه و گسترش تأمین مالی این بخش ارائه شده که در ادامه، به آنها اشاره شده است.

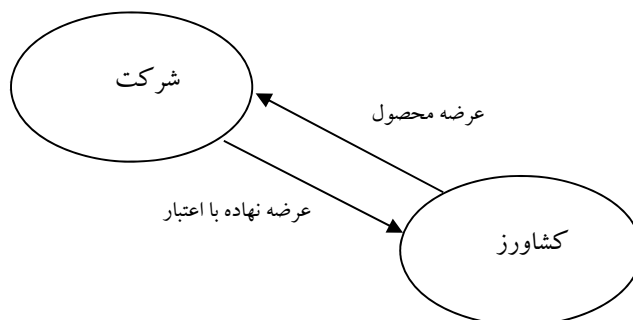
#### **ب) رویکرد جدید**

همان گونه که ملاحظه شد، رویکرد سنتی با نقش آفرینی فعال مستقیم دولت از طریق مداخلات، برای تهیه اعتبارات کشاورزی ارزان نمایان می شد، در حالی که در رویکرد جدید، نقشی محدودتر و البته بازارگرایانه برای دولت تعریف می شود و تمرکز آن بر ایجاد یک محیط سیاستی مطلوب و چارچوب قوانین و مقررات مناسب برای حمایت از واسطه گری مالی در این بخش است.

تمرکز بسیاری از روش های جدید روی بازیگران و فعالان زنجیره ارزش، شامل وام گیرندگان، کشاورزان یا انجمن های کشاورزی، فرآوری کنندگان یا تاجران، به عنوان بخشی از زنجیره عرضه کالا است. در رویکرد جدید، اعتبارات بر اساس عملکرد وام گیرنده در زنجیره تنظیم شده و در نتیجه، ریسک برای تأمین کنندگان مالی پایین تر است، به گونه ای که وام دهی بخش کشاورزی می تواند فعالیتی مفید و جذاب باشد؛ و در این فرآیند، وام دهندگان از نقاط قوت زنجیره عرضه برای کاهش ریسک وام های خود استفاده می کنند. در رویکردهای جدید، وام گیرندگان نه تنها از اعطای وام بیشتر در شرایط بهتر منفعت می برند، بلکه با تأمین وام هایی، از فعالیت های تولیدی، فرآوری یا تجاری مورد هدف خود الگوی جریان نقدی را دنبال می کنند؛ همچنین، وام دهندگان می توانند بین روش های مختلف تأمین مالی- از روش های ساده تا طرح های نسبتاً پیچیده- دست به انتخاب بزنند.

بر اساس بررسی انجام شده در کشورهای منتخب، ابزارهای مالی مورد استفاده در بخش کشاورزی را می توان در پنج گروه معرفی کرد که کاربرد و جذابیت محصولات مالی یادشده به نظام های قانونی و محیطی، به ویژه شیوه اجرای قرارداد، بستگی دارد.

تأمین مالی محصول: این نوع محصولات مالی به طور مستقیم به تأمین مالی محصول مربوط می شود که این اعتبار توسط عرضه کنندگان نهاده، یا خریدارانی مانند تاجران یا فرآوری کنندگان فراهم می شود. برای نمونه، شرکت پسی در هند، که در زمینه فرآوری محصول گوجه فرنگی فعالیت می کند، نهاده های ضروری را برای کشاورزان تأمین می کند. از آنجا که این شرکت نمی تواند به طور کامل به اقدامات زراعی کشاورزان اعتماد کند، به تعریف قراردادهای مدیریتی کامل با کشاورزان در قالب کشاورزی قراردادی پرداخت تا آنها بر طبق همین قراردادها عمل کنند.



مأخذ: یافته های پژوهش

### شکل ۱- فرآیند کشاورز

در چین، این نوع تأمین مالی کشاورزی عمدتاً از طریق فعالیت های شرکت های کسب و کار بزرگ مقیاس کشاورزی صورت می گیرد که با عنوان شرکت های دراگون هد (اژدهاسر)<sup>۱</sup> نامیده می شوند، بدین ترتیب که شرکت های بزرگ محصول را از کشاورز دریافت می کنند؛ ولی حالت هایی نیز وجود دارد که در آن شرکت اصلی خود اقدام به اجاره زمین ها

1. Dragon Head

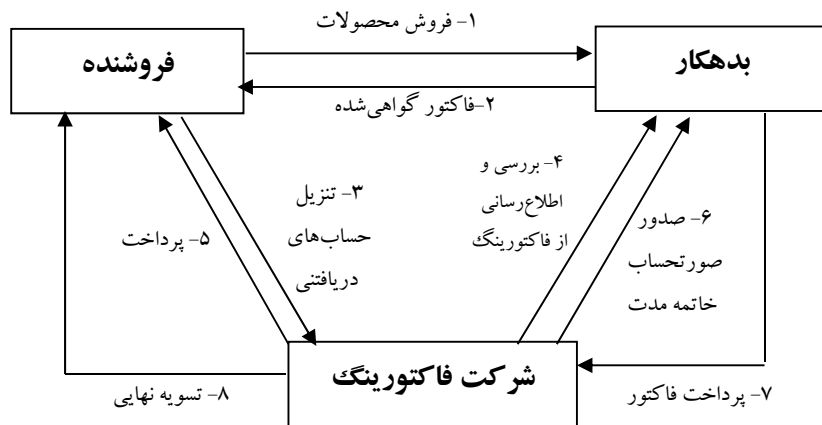
می‌کند و کشت را به صورت تخصصی انجام می‌دهد. شرکت‌های چینی مانند گروه نیوهوپ (امید جدید)<sup>۱</sup>، شرکت‌های فناوری اطلاعات (آی‌تی)<sup>۲</sup> مانند لنوو<sup>۳</sup> و علی‌بابا<sup>۴</sup> و بسیاری دیگر از سرمایه‌گذاران شرکت‌های بزرگ به گسترش سرمایه‌گذاری تأمین مالی زنجیره ارزش با هدف بهبود نظام اعتبار روستایی و ارتقای صنعت کشاورزی در چین پرداختند (Gale et al., 2009)؛ این شرکت‌ها در قالب شرکت‌های بخش خصوصی<sup>۵</sup> معرفی شده‌اند (Yang et al., 2016). بیشتر شرکت‌های اژدهاسر، به‌طور کلی، خود به شرکت‌هایی کوچک‌مقیاس‌تر تقسیم می‌شوند؛ برخی از این شرکت‌های دارای عملکرد بالا از ابزارهای مالی گوناگون برای گسترش کسب‌وکار خود بهره می‌برند. با وجود چنین شرکت‌هایی در کشاورزی چین، معمولاً تأمین مالی زنجیره ارزش توسط این شرکت‌ها همراه با یک شخص ثالث (مانند بانک) و دیگر شرکت‌های حرفه‌ای زنجیره ارزش انجام می‌شود. یکی از مدل‌های معمول سازمان‌دهی شده به‌منظور تأمین مالی زنجیره ارزش «مدل یکپارچه» است<sup>۶</sup>. این نوع تأمین مالی زنجیره ارزش معمولاً توسط شرکت‌های بزرگ رهبری می‌شود. تجربه چین در نوین‌سازی کشاورزی شامل این نوع ابداعات توسعه‌ای زنجیره ارزش در محل‌های خاص است (Kevin et al., 2015).

1. Newhope Group
2. IT firms
3. Lenovo
4. ALibaba
5. Private Equity (PE) firms

۶ - کوین و همکاران (Kevin et al., 2015)، مدل‌های عملیاتی تأمین مالی زنجیره ارزش را در چهار دسته تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱) مدل هدایت‌شده توسط تولیدکننده؛ برای نمونه، تولیدکنندگان کوچک‌مقیاس گروه‌هایی مانند انجمن‌ها یا تعاونی‌ها را تشکیل می‌دهند و به تولیدکنندگان در دسترس به بازارهای جدید کمک می‌کنند؛ ۲) مدل هدایت‌شده توسط خریدار، که تاجران، عمده‌فروشان، فرآوری‌کنندگان و سایر بازیگران بازار قراردادهایی را با تولیدکنندگان برای شکل دادن یک زنجیره ارزش امضا می‌کنند؛ این نوع از کشاورزی قراردادی مدل بسیار معمول زنجیره ارزش کشاورزی است؛ ۳) مدل هدایت‌شده توسط فراهم‌کننده تسهیلات، که سازمان‌های غیردولتی موسوم به سازمان‌های مردم‌نهاد یا همان سمن‌ها (NGOs)، سایر سازمان‌های حمایتی و نیز دولت ملی و محلی را شامل می‌شود؛ و در نهایت، ۴) مدل یکپارچه هدایت‌شده توسط شرکت‌های بزرگ.

تأمین مالی حساب‌های دریافتی (فاکتورینگ): نوع دیگر ابزار تأمین مالی برای بخش کشاورزی استفاده از مانده حساب‌های دریافتی برای دریافت اعتبار است. از آنجا که در صورت‌های مالی، حساب‌های دریافتی جزو دارایی‌های نسبتاً بدون مخاطره محسوب می‌شود، معمولاً وثیقه‌ای مناسب برای تضمین استقراض کوتاه‌مدت تلقی می‌شود. در این شیوه تأمین مالی، اعتباردهنده تنها در صورتی متحمل زیان خواهد شد که مطالبات واحد اقتصادی وام‌گیرنده دچار مشکل شود. البته، این شیوه تأمین مالی زمانی صورت می‌گیرد که مانده حساب‌های دریافتی، فروش شرکت و بدهی اشخاص در حد قابل قبول باشد. افزون بر این، باید حساب‌های دریافتی ناشی از فروش باشد، برگشت از فروش زیادی وجود نداشته باشد و مشتریان از وضعیت مالی نسبتاً مناسب برخوردار باشند. از جمله مزایای این روش وثیقه قرار دادن حساب‌های دریافتی دستیابی به جریان نقدی دوره‌ای و واگذاری حساب‌های دریافتی است. در حوزه کشاورزی، بانک یاپی کردی<sup>۱</sup> در کشور ترکیه از جمله شرکت‌های فاکتورینگ فعال در این زمینه است. یاپی کردی چهارمین بانک بزرگ خصوصی در ترکیه است که بیش از هزار شعبه (۲۵۰ شعبه در مناطق روستایی) دارد و پیشروی بازار ارائه کارت‌های اعتباری کشاورزی، لیزینگ و فاکتورینگ است که بدون شک، وجود چنین ساختاری یکی از ارکان مهم موفقیت آن در حفظ سهم غالب بازار است. فاکتورینگ از مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های تأمین مالی از طریق حساب‌های دریافتی است که برای تأمین مالی مؤسسات تجاری کوچک و متوسط کاربرد دارد و بانکداری شرکت‌های کوچک و متوسط<sup>۲</sup> یکی از هدایتگران اصلی راهبرد رشد یاپی کردی است.

1. Yapi Kredi
2. Small and Medium Sized Enterprises (SMEs)

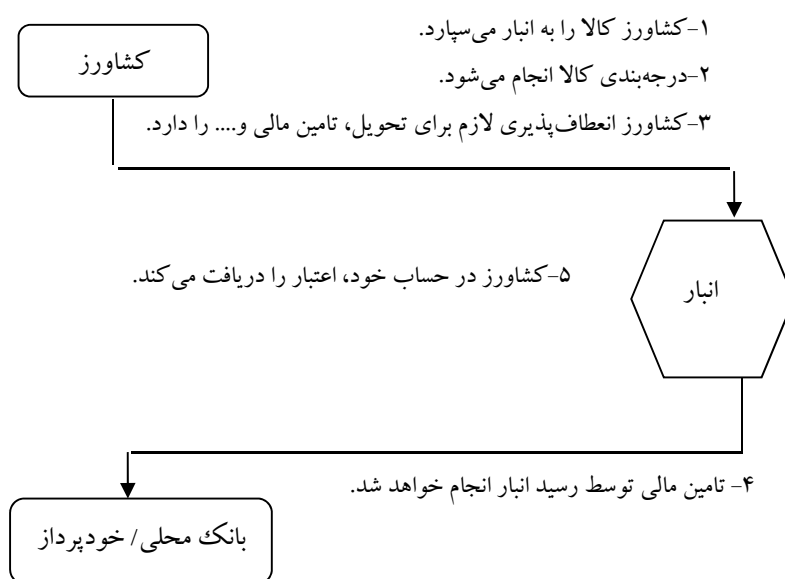


مأخذ: یافته‌های پژوهش

### شکل ۲- شمایی از فرآیند تأمین مالی به روش فاکتورینگ

تأمین مالی دارایی‌های فیزیکی (رسیدهای انبار، توافقات پیش‌خرید، لیزینگ): این محصولات مالی بر دارایی‌های فیزیکی به‌عنوان تضمین یا وثیقه تکیه می‌کنند. دو نمونه از رایج‌ترین محصولات این روش تأمین مالی رسیدهای انبار و توافقات ریپو یا خرید مجدد است که به‌طور قانونی، برای سرمایه در گردش استفاده می‌شود. لیزینگ مالی توسط قرارداد نیز روش دیگری است که استفاده یک دارایی را در طول یک دوره زمانی ثابت فراهم می‌آورد و سرانجام، ممکن است مشتری مالک آن دارایی شود. نظام قانونی مجبور است حقوق و تعهدات ذاتی در کنترل دارایی‌ها به‌عنوان پیش‌شرطی برای توسعه و استفاده از این محصولات را به‌رسمیت بشناسد؛ علاوه بر این، باید یک بازار شناخته‌شده برای قیمت‌گذاری دارایی‌ها و نیز یک بازار فروش مجدد برای دارایی‌ها وجود داشته باشد. از جمله کشورهایی که به‌صورت متداول تأمین مالی بخش کشاورزی در هند را از طریق تأمین مالی رسید انبار انجام می‌دهند، هند است؛ به این صورت که کشاورزان هندی کالاهای تولیدی خود را به یک انبار می‌سپارند و در این انبار درجه‌بندی انجام می‌شود و سپس رسید الکترونیکی انبار صادر خواهد شد. سپس رسیدهای الکترونیکی انبار به‌عنوان تعهدی در برابر تأمین مالی بانک ارائه می‌شود. در فرآیند وام‌گیری

لزوماً نیازی نیست کشاورز به شعب بانکی مراجعه کند و می‌تواند از انبارها به عنوان نماینده خود استفاده نماید. این فرآیند می‌تواند توسط دستگاه‌های خودپرداز و کارت‌های هوشمند انجام شود که اجازه می‌دهد کشاورزان پول نقد را تقریباً بلافاصله بعد از گذاشتن کالا در انبار دریافت کنند (Soundarrajan and Vivek, 2015).

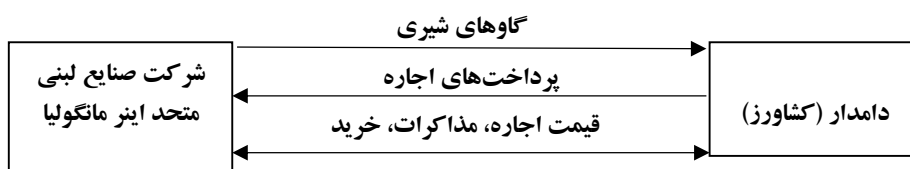


مأخذ: راتن و همکاران (Rutten et al., 2010)

### شکل ۳- فرآیند عملیاتی بانک‌های هند برای تأمین مالی زنجیره ارزش کشاورزی

شایان یادآوری است که پس از حل مشکل فقدان انتقال‌پذیری رسیده‌های انبار با وضع «قانون رسید انبار»، فرآیند تأمین مالی از طریق رسید انبار به گونه‌ای گسترده‌تر انجام می‌شود. در این فرآیند، اگر کشاورز بخواهد محصولات خود را بفروشد، هیچ مشکلی وجود ندارد؛ بدین ترتیب، وی می‌تواند آن را در داخل پلت‌فرم معاملات الکترونیکی قرار دهد و با تعیین حداقل قیمتی که مایل به پذیرش آن است، محصول خود را بفروشد (Hollinger et al., 2009).

در کشور چین، نمونه‌ای موفق از کاربرد روش لیزینگ توسط یک شرکت صنایع لبنی متحد به نام شرکت فناوری صنایع لبنی متحد اینر مونغولیا با مسئولیت محدود<sup>۱</sup> وجود دارد که به‌طور ابتکاری، یک قرارداد لیزینگ را برای ارائه گاوهای شیری به کار بسته است. بعد از امضای قرارداد با دامداران و کشاورزان خرده‌پا و پراکنده، این شرکت گاوهای کشاورزان را با امکانات، فناوری‌ها و روش‌های مدیریتی نوین افزایش می‌دهد. این شرکت به یک بازیگر بانفوذ در زنجیره ارزش بخش لبنیات چین تبدیل شده است (Wang et al., 2014).



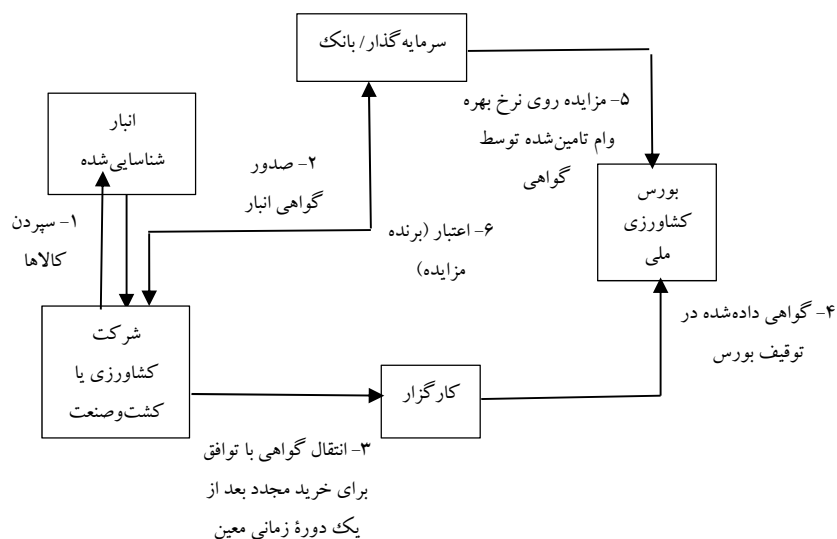
مأخذ: وانگ و همکاران (Wang et al., 2014)

#### شکل ۴- فرآیند لیزینگ کشاورزی شرکت صنایع لبنی در چین

از نمونه‌های موفق استفاده از قراردادهای خرید مجدد یا بازخرید، می‌توان به کشور ترکیه اشاره کرد که به‌موجب این توافق، کشاورز کالای خود را به قیمت مشخص، به تأمین‌کننده مالی (بانک) می‌فروشد (و به‌موجب آن، پول قرض می‌کند) و به‌طور هم‌زمان، تعهد می‌کند که همان کالا را به قیمت مشخص (به قیمتی که نشان‌دهنده هزینه‌های بودجه اصلی از زمان اصلی فروش تا فروش مجدد است) و در تاریخ مشخص، در آینده بازخرید کند. این ترتیبات مالی حمایت قانونی بیشتری را برای تأمین‌کننده مالی بیشتر از یک تعهد فراهم می‌کند. اما تأمین‌کنندگان مالی در معرض ریسک‌های مربوط به شرکت‌های انبارداری و حمل‌ونقل درگیر در معامله و همچنین، ریسک‌های جدید مربوط به مالکیت مانند مسئولیت در مورد خسارت‌های زیست‌محیطی قرار دارند (Rutten et al., 2010). در این روش، کالا با وثیقه معتبر مدیرانی که خدمات مدیریت رسید انبار را ارائه می‌دهند و مسئولیت درجه‌بندی و صدور رسیدها را برعهده دارند، ذخیره می‌شود؛ سپس، این رسید به یک کارگزار بورس انتقال می‌یابد

1. Inner Mongolia Dairy United Technology Co., Ltd. (Dairy United)

و مالک کالاها یک توافق برای باز خرید کالا (با قیمت و دوره زمانی معین) را امضا می کند. آنگاه جزء اعتباری باز خرید برای حراج در بورس حاضر است. مجموع پرداختی توسط برنده مزایده کانالی برای ودیعه گذاران کالا (مانند تولید کننده کالا و...) است. نه فقط ودیعه گذاران کالا (کشاورز، فرآوری کننده و...) دسترسی به تأمین مالی بیشتر دارند، بلکه به دلیل کاهش سطح ریسک، در شرایط بهتری نیز تأمین مالی توسط سرمایه گذاران صورت می گیرد (Belozertsev et al., 2011).



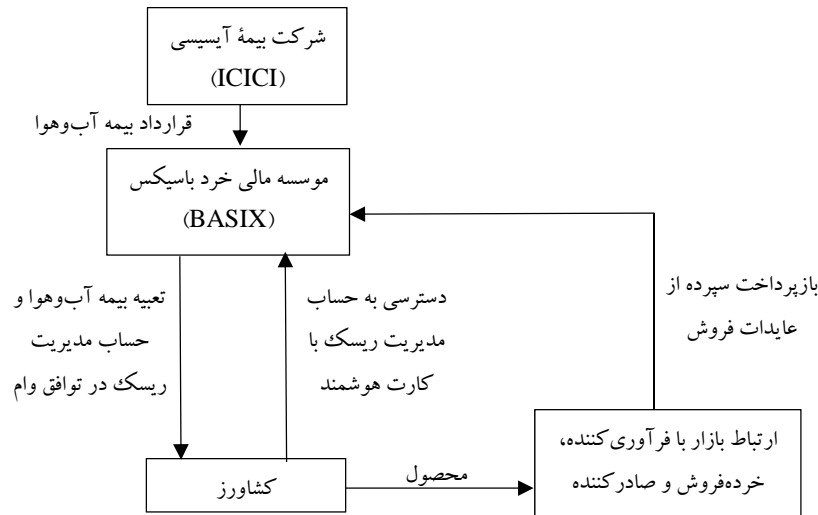
مأخذ: بلوزرتسف و همکاران (Belozertsev et al., 2011)

### شکل ۵- فرآیند قراردادهای خرید مجدد کشاورزی قابل معامله در بورس ترکیه

محصولات کاهش ریسک (بیمه، قراردادهای آتی، پیمانهای آتی، قراردادهای اختیاری): این محصولات مالی برای کاهش ریسک توسط انتقال آن به شخص ثالث به کار می رود و با استفاده از بیمه، قراردادهای آتی سلف انجام می شود. محصولات کاهش ریسک به ویژه برای مؤسسات مالی جذاب است، چراکه امکان ارائه آن به شرکت کنندگان در کل زنجیره ارزش وجود دارد. نقش نهادهای مالی، بسته به هر دو ساختار نهادی و مقررات کشوری که عملیاتی می شود،



متفاوت است؛ در نتیجه، مؤسسات مالی ممکن است کاهش ریسک را به طور مستقیم یا از طریق یک شرکت تابعه یا یک شرکت تخصصی یا کارگزار به دست آورند. در ایالت آندراپرادش هند، یک واسط مالی که مؤسسه تأمین مالی خرد باسیکس<sup>۱</sup> است، به ارائه محصولات مالی بیمه‌ای متنوع برای کشاورزان پرداخته است. مؤسسه باسیکس هند، به عنوان یک پیشتاز در تأمین مالی مستقل، دو راهبرد مدیریت مؤثر ریسک در تأمین مالی خرد را ترکیب کرده است.



مأخذ: هس (Hess, 2003)

### شکل ۶- مدل تأمین مالی خرد مؤسسه مالی خرد باسیکس در (آندراپرادش) هند

کارکرد این فرآیند بدین گونه است که ابتدا کشاورز یک وام محصول را از یک بانک- در اینجا، بانک خصوصی آیسسی (ICICI)- دریافت می کند. کشاورز حق بیمه خود را روی بیمه شاخص آب و هوا پرداخت می کند و یک حساب مدیریت ریسک برای وی ایجاد می شود. کشاورز می تواند بدین حساب از طریق بانک ها و ارائه دهندگان خدمات مالی و کشاورزی و دستگاه های خودپرداز دسترسی داشته باشد، که نرخ بهره برای سال های عادی و یا سال های توأم با خشکسالی کم و زیاد متفاوت است. واریز فروش های اضافی از طریق مراکز

#### 1. BASIX

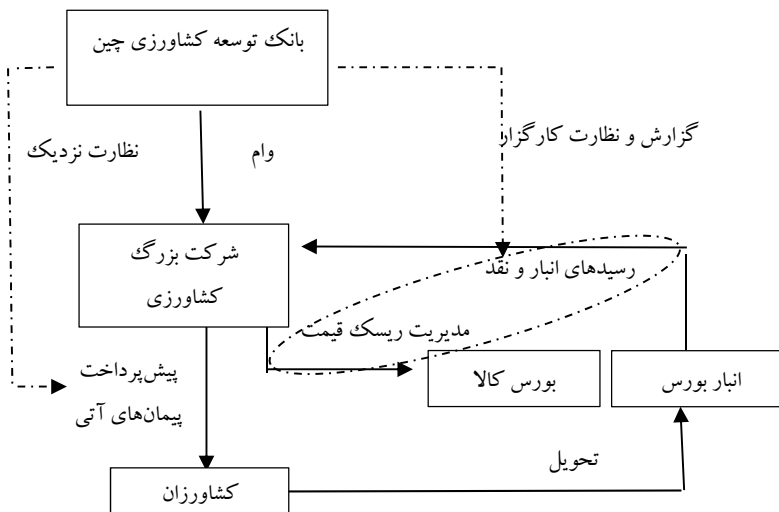
خدمات کشاورزی به حساب کشاورز صورت می‌گیرد که بر اساس آن و جمع‌آوری پس‌انداز، کشاورز می‌تواند به خط اعتباری دسترسی داشته باشد (Hess, 2003). در کنار برنامه‌های بیمه‌ای مربوط به مؤسسات مالی خرد، برنامه‌های بیمه‌ای نیز وجود دارد که توسط گروه‌های خودیار در هند انجام می‌شود. برای نمونه، طرح بیمه دام جامعه<sup>۱</sup> در هند یک طرح بیمه‌ای است که از سال ۲۰۰۵، بر اساس اصول گروه‌های خودیار، برای تولیدکنندگان لبنیات کوچک مقیاس در آندراپرادش در نظر گرفته شده است (FAO, 2014).

از دیگر نمونه‌ها، قراردادهای آتی است که توسط بانک توسعه کشاورزی چین در این کشور مورد بهره‌برداری قرار گرفته و در حال توسعه است؛ به موجب این روش، بانک به شرکت‌های بزرگ کشاورزی قرض می‌دهد و از این‌رو، این شرکت‌ها می‌توانند قراردادهای آتی با کشاورزان را تنظیم کنند. این قراردادها کشاورزان را ملزم می‌سازد که محصولات خود را از طریق بورس کالا به به انبارهای معتبر تحویل دهند. شرکت کشاورزی مجبور است قیمت آن را از طریق بورس با استفاده از کارگزار تأییدشده توسط بانک پوشش دهد. بانک بر پیمان‌های آتی و نیز فعالیت‌های تأمینی و دریافت گزارش‌های منظم از کارگزار نظارت می‌کند. زمانی که کالاها تحویل داده شد، رسیدهای انبار نزد کارگزار به امانت می‌ماند تا از بازپرداخت وام بانک اطمینان حاصل شود. بورس‌ها نیز عملیات خرید یک دارایی و فروش یک قرارداد آتی بر اساس دارایی مذکور<sup>۲</sup> را اجازه می‌دهد و به موجب آن، اگر هزینه‌های تأمین مالی سرمایه‌گذار به اضافه هزینه‌های ذخیره‌سازی کالاها کمتر از اختلافات بین قیمت‌های فعلی و آینده باشد، سرمایه‌گذار سودی را به دست می‌آورد. سرمایه‌گذار قراردادهای آتی را می‌خرد که تاریخ انقضای آنها نزدیک است و به طور هم‌زمان، قراردادهای آتی را برای یک ماه آینده می‌فروشد؛ سپس، کالاها فیزیکی را که انقضای قراردادهای آنها نزدیک است، تحویل می‌دهد و محصولات را در انبار بورس نگهداری می‌کند. در طول زمان مقتضی، او کالاها را در برابر قراردادهای آتی

1. community livestock insurance scheme

2. cash and carry

مربوط به زمان دورتر تحویل می‌دهد. در سطح جهانی، بخش قابل توجهی از سهام کالا بدین روش تأمین مالی می‌شود، که هزینه‌های مالی ذخیره‌سازی برای تولیدکنندگان کالا، فرآوری‌کنندگان و کاربران را به گونه‌ای چشمگیر کاهش می‌دهد (Rutten et al., 2010).



مأخذ: راتن و همکاران (Rutten et al., 2010)

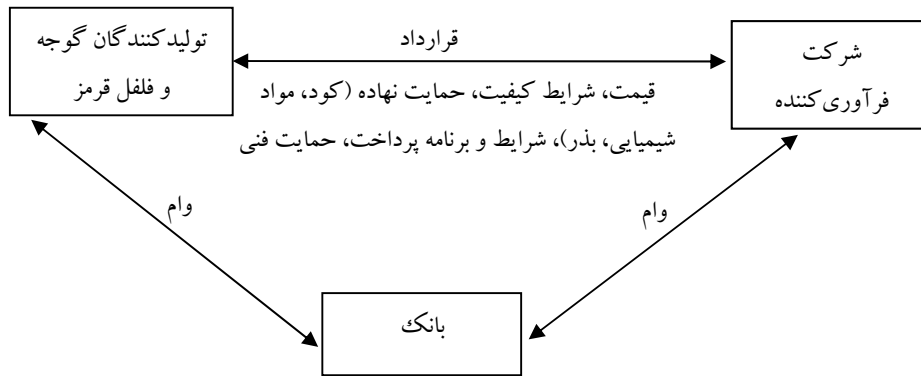
### شکل ۷- فرآیند تأمین اعتبار بانک توسعه کشاورزی چین از طریق بورس کالا

تأمین مالی ساخت یافته (ابزارهای ایمن‌سازی / تضمین وام / تأمین مالی سرمایه‌گذاری مشترک): این محصولات تخصصی دسترسی مالی را تسهیل کرده، بدان عمق می‌بخشند؛ و اغلب اشخاص ثالث خارج از زنجیره ارزش را شامل می‌شوند. از رایج‌ترین نمونه‌های این محصولات تضمین‌های وام است. در این روش، یک شخص ثالث تضمینی به وام‌دهنده ارائه خواهد داد که به موجب آن، انتقال ریسک (تا حدی یا به‌طور کامل) از تولیدکننده اولیه به شخص ثالث انتقال یابد. شخص ثالث هزینه‌ای را برای تضمین از تولیدکننده دریافت خواهد کرد. شخص ثالث می‌تواند یک شرکت خصوصی یا حتی نهاد دولتی باشد. برخی دولت‌ها از این ابزار سیاستی برای ترغیب مؤسسات مالی به وام‌دهی به بخش کشاورزی بهره‌جسته‌اند.

امروزه، ترتیبات تأمین مالی ساخت یافته که به طور اختصاصی، برای بخش کشاورزی طراحی شده است، جزء جدایی ناپذیر الزامات سرمایه گذاری در این بخش تلقی می شود. تأمین مالی ساخت یافته در بخش کشاورزی و تجارت محصولات کشاورزی یعنی، ورود منابع مالی به درون بنگاه های اقتصادی کشاورزی با هدف تأمین مالی آنها به منظور خرید نهاده های تولید، انجام عملیات تولید و عملیات بعد از تولید با استفاده از انواعی معین از وثایقی است که به طور معمول، از سوی بانک ها و سرمایه گذاران قابل پذیرش نبوده و به جای اتکا بر قابلیت های فرد وام گیرنده در ارائه وثیقه (مثل اعتبار مالی وام گیرنده)، بیشتر متکی بر ساختار و نوع مبادلات پولی در بازارهای کشاورزی است. برای نمونه، در این نظام، می توان بر اساس حسن شهرت کشاورز و سوابق قبلی تولید وی، محصول آتی او را به عنوان وثیقه پذیرفت و اقدام به تأمین مالی کرد. در ترکیه، شرکت بافیرا<sup>۱</sup> در شهر سامسون از جمله نمونه های موفق کاربردی این نوع تأمین مالی است. این شرکت، در اقدامی نوآورانه از طریق عقد قرارداد با کشاورزان علاقه مند، به امضای موافقتنامه ای با یک بانک خصوصی می پردازد و وام های تولید قراردادی را که از بانک با ضمانت خودش دریافت می دارد، در بین کشاورزان توزیع می کند (Becerra, 2015). این برنامه کشاورزان را قادر می سازد تا فقط بر عرضه محصول تمرکز کنند و در ارتباط با بازاریابی تولیدات و فروش محصولات خود به قیمت های مورد انتظار، نگرانی نداشته باشند. این شرکت تعهدات خود را زمانی که قیمت ها در بازار لحظه ای پایین تر از قرارداد بوده، نقض نکرده و این نگرش مثبت همه کشاورزان را در منطقه به ورود به ارتباط قراردادی با شرکت فرآوری کننده در قالب قراردادهای آتی تشویق کرده است. از طریق تأمین مالی زنجیره ارزش، همه کشاورزان طرف قرارداد می دانند که برای چه کسی، کی و چه مقدار خواهند فروخت و همچنین، چه مقدار به دست خواهند آورد. این روش برای بانک نیز مطلوبیت هایی به همراه داشته است، از جمله اینکه در منطقه مورد نظر مشتریان جدید برای بانک جذب شده که وام هایی در بین آنها توزیع شده است؛ همچنین، ورود بانک به روابط وام جدید با کشاورزانی که در این طرح در آینده شرکت خواهند کرد، مورد انتظار است.

---

1. Kaya Turizm A.S. (Bafira)



مأخذ: بسرا (Becerra, 2015)

شکل ۸- فرآیند تأمین مالی زنجیره ارزش در شرکت فراوری کننده بافرا در ترکیه

### جمع‌بندی و پیشنهادها

با توجه به نتایج بررسی کشورهای هند، چین و ترکیه، خلاصه دستاوردهای پژوهش برای ایران را می‌توان در قالب شش بخش جداگانه ارائه داد، که عبارت‌اند از: (۱) نظام‌های تأمین مالی کشاورزی، (۲) وام‌های اعطایی به بخش کشاورزی، (۳) مخارج تأمین مالی عمومی تخصیصی دولت‌ها به بخش کشاورزی، (۴) بیمه، (۵) بازار سرمایه و بورس کالا، و (۶) تأمین مالی زنجیره ارزش.

### نظام‌های تأمین مالی کشاورزی

بررسی نظام‌های تأمین مالی کشورها نشان می‌دهد که نظام تأمین مالی کشاورزی هر کشوری شامل نهادهای مالی است که به‌طور خاص، برای کشاورزی طراحی شده‌اند. این نظام‌ها به‌طور مشترک توسط دولت و یا سازمان‌های تولید کشاورزی ایجاد شده که به‌منظور افزایش بهره‌وری کشاورزی و به‌ویژه حفاظت و تثبیت درآمدهای تولید کشاورزی، حمایت‌هایی را برای بخش کشاورزی ارائه داده است. البته فشارهای داخلی و بین‌المللی برخی دولت‌ها کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی را مجبور کرده که به‌تدریج سیاست‌های حمایتی ارائه‌شده در این فضا را کاهش داده و به سمت رفتارهای سودمند بازارمحور بروند، که

سبب ورود برخی بانک‌های تجاری به حوزه تأمین مالی بخش کشاورزی شده است. در ادامه، به مداخلات و ملاحظاتی که عمدتاً در نظام‌های تأمین مالی کشاورزی به کار بسته شده است، اشاره می‌شود.

• *اداره اختصاص داده‌شده به مقررات و توسعه نظام تأمین مالی کشاورزی:* در وزارت کشاورزی کشورها، معمولاً یک اداره یا بخش ویژه فعالیت در حوزه تأمین مالی کشاورزی و خدمات مرتبط مالی شامل وام‌ها، بیمه و... ایجاد می‌شود، که این دفاتر نظارت بر این‌گونه فعالیت‌ها را برعهده دارند و گاهی اوقات، به‌طور مستقیم، در عملیات این خدمات درگیر می‌شوند. بسیاری از این نهادها راهنمایی‌های مالی لازم را برای این بخش ارائه می‌کنند و اولین مأموریت آنها تنظیم بازار و ارائه عملیات منظم همراه با نظام نهادی و قوانین جامع است.

• *مؤسسات مالی تعاونی:* این مؤسسات، به‌طور سنتی، نقش مهمی را در نوین‌سازی بخش کشاورزی بسیاری از کشورها بازی کرده‌اند. علی‌رغم اینکه در برخی کشورها، نهادهای مالی تعاونی با مقررات سخت‌گیرانه در انجام فعالیت‌های مالی مواجه‌اند و نقش بسیار محدودی در بازار دارند، اما در سایر کشورها، نقش تعاونی‌ها در توسعه تأمین مالی این بخش بسیار حائز اهمیت بوده است.

• *توسعه پوشش شبکه خدمات بانکی برای تأمین مالی کشاورزی:* در کشورهای بررسی‌شده، بسیاری از بانک‌ها شعب خدماتی در مناطق روستایی را در طول زمان گسترش داده‌اند. این شعب، با فراهم‌سازی اطلاعات عمیق و جامع داری‌های مزرعه و اعتبار و عملیات کسب‌وکار، توانسته‌اند هزینه‌های خدمات مالی و نظارت وام را کاهش دهند، که منجر به ارائه خدمات بانکی گسترده‌تر و بهتر در مناطق روستایی می‌شود.

• *نهادهای تأمین مالی کشاورزی اختیاری:* این نهادها می‌توانند توسط مشارکت بخش خصوصی ایجاد و هدایت و در عین حال، توسط دولت حمایت شوند. البته در کنار نکات یادشده، وجود قوانین و مقررات جامع نیز در زمینه تأمین مالی کشاورزی برای اطمینان از استفاده مؤثر بودجه‌بندی مبتنی بر سیاست لازم است.

### وام‌های اعطایی به بخش کشاورزی

در کشاورزی، وجود ریسک در معاملات وام یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضاست و این ریسک‌ها در توسعه خدمات مالی تأثیر دارد. فقدان دسترسی کشاورزان وام‌گیرنده به وثیقه، به‌عنوان یکی از ریسک‌های پیش روی نهادهای مالی، مانع از ورود و تعمیق خدمات اعتباری رسمی در محیط روستایی می‌شود و در نتیجه، توسعه تأمین مالی کشاورزی را محدود می‌کند. به‌منظور غلبه بر این چالش‌ها، در این زمینه نیز کشورها مداخلاتی را انجام داده‌اند:

• **تخصیص یارانه:** تقریباً در تمام کشورهای در حال توسعه، مداخله دولت در بازارهای اعتبار کشاورزی از طریق این ابزار تا حد زیادی برجسته است. در بسیاری موارد، برنامه‌های اعتبار کشاورزی یارانه‌ای برای ارائه وام‌های کم‌هزینه و ترویج و توسعه کشاورزی با عرضه اعتبار بیشتر برای این بخش تنظیم شده است. شکلی از یارانه اعتباری مرسوم که توسط نهادهای مالی فراهم شده، یارانه‌های مستقیم بر نرخ بهره است. شکل دیگر آن یارانه غیرمستقیم شامل کسر مالیات، سیاست‌ها یا خدمات و محصولات مطلوب و... است. یارانه‌ها گاهی برای تسهیل نهادها در نظام تأمین مالی دولت فراهم می‌شود که به تقویت پشتیبانی سیاست‌های دولتی و مقررات اداری می‌انجامد. البته بنا به تجربه موجود، در حالی که این برنامه‌ها سبب یک بار مالی فوق‌العاده برای دولت‌ها شده، این ابزار آسیب بیشتری به توسعه بازارهای کشاورزی نیز وارد آورده است.

• **ارائه وام‌های تضمینی:** همراه با توسعه اعتبار کشاورزی در بسیاری از اقتصادها، بسیاری از دولت‌ها به‌جای ارائه وام‌های مستقیم به سمت ارائه وام‌های تضمینی به‌ویژه محصولات مالی بلندمدت روی آورده‌اند. این یک اقدام مؤثر برای کاهش ریسک نهادهای وام‌دهی و نیز یک مشوق برای وام‌گیرندگان برای استفاده از مزایای اعتبار است.

• **بررسی جایگزین‌هایی برای وثیقه:** برای کاهش مشکل عدم وثیقه، جایگزین‌هایی برای وثیقه متعارف معرفی شده که رسیده‌های انبار، صندوق‌های گروهی مشترک و... از آن جمله است و

می‌توان آنها را برای توسعه تأمین مالی بخش کشاورزی ترویج داد. راهبردهای دیگری هم از قبیل وام‌دهی گروهی می‌تواند به کار بسته شود.

#### **مخارج تأمین مالی عمومی تخصیصی دولت‌ها به بخش کشاورزی**

مهم‌ترین سازوکار حمایت مالی موجود برای بخش کشاورزی توسط دولت‌ها ارائه سهمی از بودجه برای نهادهای مالی سیاست‌گرا با هدف کشاورزی است. پوشش‌های حمایت اعتباری، تخفیف‌های بهره و دیگر ویژگی‌های این نهادها تا حد زیادی مرتبط با سیاست‌های دولت است. هدف این سیاست‌ها و دستورها لزوماً به حداکثر رساندن سود نیست، بلکه هدف آنها با توجه به تغییر وضعیت توسعه کشاورزی داخلی و محیط خارجی تنظیم می‌شود. در پی، برخی اقدامات و مداخلات کلیدی در این زمینه تشریح می‌شود.

• **ترویج فناوری‌های کشاورزی پیشرفته:** تمرکز سرمایه‌گذاری عمومی برای حمایت از تحقیق و توسعه از هسته فناوری‌هایی از قبیل محصولات زیست‌شیمیایی کشاورزی، ماشین‌آلات، توسعه زنجیره ارزش، و... در مؤسسات تحقیقاتی، دانشگاهی و بخش خصوصی و نیز انتشار این فناوری‌هاست. سرمایه‌گذاری‌های عمومی در این حوزه منجر به افزایش بهره‌وری کشاورزی می‌شود و کشاورزان را برای انجام سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و تحمل خطر ریسک تولید قادر می‌سازد.

• **تشویق سرمایه‌گذاری از بخش خصوصی:** اقداماتی که اغلب توسط دولت‌ها برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تأمین مالی کشاورزی اتخاذ شده، عبارت‌اند از: کسر مالیات یا اعطای یارانه‌ها، اوراق قرضه دولت، قوانین و سیاست‌های انعطاف‌پذیر و مطلوب و نیز هدایت منابع سرمایه‌گذاری مختلف.

• **حمایت از ایجاد زیرساخت:** حمایت از ایجاد زیرساخت در توسعه نوسازی کشاورزی بسیار اهمیت دارد. هزینه‌های عمومی در زیرساخت (مانند جاده‌ها، بازارهای نهاد و ستاده، اطلاعات بازاریابی، و...) برای بخش کشاورزی به دلیل کاهش هزینه‌های معامله و مبادله، افزایش ارزش افزوده و حاشیه سود و تسهیلات گزیننده‌های مالی بسیار حائز اهمیت است.



#### بیمه

بیمه کشاورزی می‌تواند به کشاورزان کمک کند تا در فعالیتهای سودآورتر که ممکن است پرخطرتر هم باشند، سرمایه‌گذاری کنند، چراکه «بیمه» ریسک را به یک شخص ثالث انتقال می‌دهد. در ادامه، مداخلات و ملاحظات مهم بیمه کشاورزی در زمینه فراهم‌سازی منابع مالی برای بخش کشاورزی بررسی می‌شود.

• **اتصال بیمه به نهادهای اعتباری:** ایجاد پیوند و یا ارتباط بیمه با بخش اعتبارات کشاورزی افدामी مشترک است که از آن برای افزایش نفوذ محصولات بیمه‌ای استفاده می‌شود. قراردادهای بیمه اعتباری به‌هم‌پیوسته می‌تواند به کاهش محدودیت‌های عرضه اعتبار بخش کشاورزی کمک کند. با ریسک‌های کاهش‌یافته توسط محصولات بیمه‌ای، نهادهای مالی تمایل بیشتری به وام‌دهی نشان می‌دهند که خود، به‌گونه‌ای مؤثر، باعث پوشش محصولات بیمه‌ای، بهبود دسترسی کشاورزان به وام‌ها و تشویق کشاورزان به استفاده از ابزارهای مالی برای مقابله با ریسک‌های مختلف می‌شود.

• **مشارکت عمومی خصوصی در ترویج بیمه:** موفقیت و تأثیر مشارکت عمومی خصوصی در تعدادی از کشورها به ثبت رسیده است. در مقایسه با نظام‌های کاملاً مداخله‌گر و نظام‌های صرفاً مبتنی بر بازار، نظام‌های مشارکت عمومی خصوصی از نظر حمایت دولت و دسترسی محصول متعادل‌ترند و حمایت از بخش عمومی توسعه و مقیاس‌بندی برنامه‌های بیمه کشاورزی را امکان‌پذیر می‌سازند، در حالی که مشارکت بخش خصوصی مهارت‌ها، تخصص‌ها و نوآوری را به بازار می‌آورد.

• **نوآوری محصولات بیمه:** نوآوری در صنعت بیمه مطلوب است و می‌توان نمونه‌هایی موفق از این‌گونه نوآوری‌ها را در هر دو گروه اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه یافت. برای نمونه، در بسیاری از کشورها، محصولات بیمه‌ای مبتنی بر شاخص در حال انجام است، که زیرساخت مناسب، طراحی قرارداد تقاضامحور و افزایش درک محصولات و اعتماد میان مردم از مؤلفه‌های کلیدی برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های بیمه شاخص به‌شمار می‌روند.

### بازار سرمایه و بورس کالا

بورس از نهادهای رسمی بازار سرمایه در هر کشوری است. بورس کالا در توانمندسازی بخش کشاورزی در اصلاح ساختار سنتی بخش کشاورزی، کمک به استانداردسازی و ارتقای کیفیت محصولات کشاورزی، بازاریابی محصولات کشاورزی، مدیریت و کاهش نوسانهای قیمت، افزایش مزیت نسبی کشور در تولید محصولات کشاورزی و تقویت توان صادراتی کشور از طریق افزایش توان رقابت، ایجاد امکان تأمین مالی بخش کشاورزی از طریق ابزارهای نوین مالی و سازوکارهای جدید معاملاتی نقش دارد. بورس کالا از طریق ویژگیهای کارکردی خود در کشف قیمت، انتقال یا توزیع ریسک و سیالیت معاملات، به گونه‌ای مؤثر، از دامنه فساد و حاشیه سود دلالت می‌کاهد و با سازمان‌دهی مجدد شبکه توزیع و جریان آزاد اطلاعات، سازوکار بازار را جایگزین و سلامت معاملات و اصلاح ساختار بازار را تضمین می‌کند. مطالعه سیر تاریخی راه‌اندازی و تکامل بازارهای آتی کالاهای کشاورزی در جهان نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، ایجاد این بازارها در پاسخ به برخی نیازهای اقتصادی احساس شده موجب رفع بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌های بازار این کالاها شده است. به‌جرات می‌توان گفت که شکست بازارهای سنتی و ناکارآمدی آنها که زمینه‌ساز مسائل مختلف از قبیل افزایش ریسک قیمت یا نوسان قیمت‌هاست، مهم‌ترین انگیزه برای تأسیس این بازارها در بسیاری از کشورها و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید.

### تأمین مالی زنجیره ارزش

تأمین مالی زنجیره ارزش یک ابزار تأمین مالی است که امکان بهینه‌سازی معامله بین خریداران و عرضه‌کنندگان را با واسطه شخص ثالث ایجاد می‌کند. منابع تأمین مالی زنجیره ارزش شامل دو نوع داخلی و خارجی (بیرونی) است، که توسط بازیگران در داخل بخش یا از طریق سرمایه‌های بیرون از زنجیره فراهم می‌شود. در تأمین مالی زنجیره ارزش بخش کشاورزی، روش‌هایی مبتکرانه در حال استفاده است که تأکید پژوهش حاضر بیشتر روی این مدل‌های خلاقانه در راستای تأمین مالی بخش کشاورزی با هدف یافتن راه‌هایی برای مقابله با ریسک‌های اعتباری نهادهای مالی با توجه به فقدان اطلاعات مالی، سابقه یا وثیقه قابل قبول

است. در این نوآوری مالی، استفاده از مدل‌هایی مد نظر است که منابع اضافی برای بخش کشاورزی را بسیج کند و مشارکت نهادهای خصوصی در تأمین مالی این بخش را افزایش دهد. همچنین، نوآوری‌ها می‌تواند همکاری‌های جدید بین ذی‌نفعان مختلف بخش خصوصی (مانند شرکت‌های کسب و کار، تأمین‌کننده نهاده، نهادهای مالی) و بخش عمومی را به ارمغان آورد. نوآوری‌ها به پنج نوع اصلی تقسیم می‌شوند، که عبارت‌اند از: ۱) تأمین مالی محصول، ۲) تأمین مالی حساب‌های دریافتی (فاکتورینگ)، ۳) تأمین مالی دارایی‌های فیزیکی، ۴) محصولات کاهش ریسک، و ۵) تأمین مالی ساخت یافته. به منظور روشن تر شدن جایگاه هر کدام از انواع مدل‌های مالی برای نهادهای مالی، خلاصه‌ای از مدل‌های نوین تأمین مالی ارائه شده توسط کشورهای منتخب هند، چین و ترکیه به تفکیک منابع بازپرداخت یا وثیقه در جدول ۱ آمده است. بر این اساس، با توجه به منبع اصلی بازپرداخت یا وثیقه، این روش‌ها به سه دسته کشاورز، وثیقه قابل انتقال و خریدار تقسیم می‌شوند (World Bank, 2011). در دسته اول، منبع اصلی بازپرداخت کشاورز یا گروه‌های کشاورزان است و به‌طور کلی، شامل تحلیل جریان نقدی توسط بانک‌ها به‌منظور تضمین سود پیش‌بینی شده، پس‌اندازهای کلی و یا تضمین‌های گروهی است. تأمین مالی با استفاده از دارایی‌های منقول به‌عنوان وثیقه اغلب شامل تجهیزات اجاره و کالاهای ذخیره شده در انبار است. مدل‌های تأمین مالی که بر خریداران به‌عنوان منبع بازپرداخت تکیه می‌کند، بر اساس تحلیل زنجیره ارزش است که بر روابط کسب و کار کشاورزی در بین کشاورزان و خریداران تأکید دارد و به‌موجب آن، قراردادهای رسمی یا غیررسمی برای امنیت به‌ام‌دهندگان ترتیب داده می‌شود. کلیه این دسته‌بندی‌ها در جدول ۱ نشان داده شده، که برای هر کدام از انواع مدل‌های تأمین مالی نوآورانه، نمونه و یا نمونه‌هایی از تجارب کشورهای منتخب ذکر شده است. نخستین ستون نشان می‌دهد که بانک می‌تواند بر جریان پولی کشاورز یا پس‌اندازهایش و یا تضمین گروهی تکیه کند. در دومین ستون، بانک به وثیقه قابل انتقال چه در قالب تجهیزات و یا کالاها دسترسی دارد و ستون سوم نشان می‌دهد که بانک به روابط خریدار با دیگر بازیگران زنجیره عرضه توجه می‌کند.

**جدول ۱- جمع‌بندی مدل‌های نوآورانه و ابداعی تأمین مالی بخش کشاورزی کشورهای منتخب به تفکیک منبع بازپرداخت**

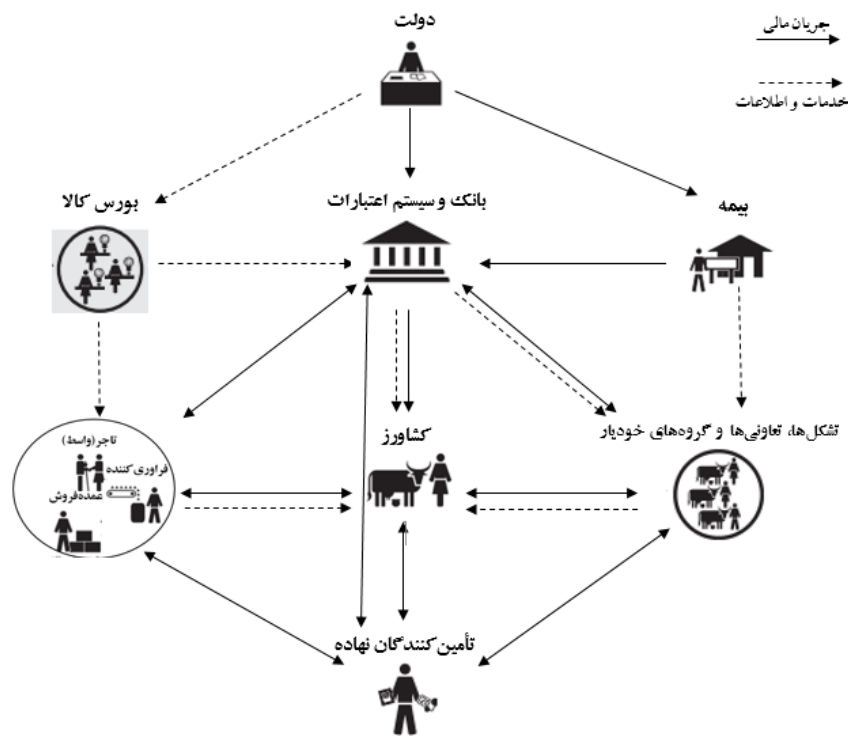
کشاورز	وثیقه قابل انتقال	خریدار
وام‌دهی مستقیم به کشاورزان	تأمین مالی تجهیزات - شرکت ماهیندرا و خدمات مالی ماهیندرا در هند - شرکت برنج گلدن در چین	تأمین مالی زنجیره ارزش با خریداران ستاده (کشاورزی قراردادی) - ارائه مدل‌های تأمین مالی اسلامی (بیع سلم) توسط باسیکس (Basix) هند - مدل «شرکت + مزرعه (یا خانوار)» در شرکت‌های لنوو (Lenovo)، یوهوپ گروپ (Newhope Group) و علی‌بابا (Alibaba) چین
وام‌دهی غیرمستقیم به کشاورزان از طریق تعاونی‌ها و... - برنامه ارتباط بانک و گروه‌های خودیار در هند - برنامه‌های وام‌دهی بانک ABC و ADBC چین به شرکت‌های دراگون‌هد (Dragon-Head Agribusiness Companies) - قراردادهای ریو (با خرید مجدد) در ترکیه	لیزینگ - شرکت فناوری صنایع لینی متحد اینتر مونگولیا در چین - فعالیت بانک خصوصی یاپی کردی (Yapi Kredi) ترکیه در زمینه لیزینگ	تأمین مالی زنجیره ارزش با عرضه‌کنندگان نهاده (کشاورزی قراردادی) - شرکت پیسی (PepsiCo) در هند
حساب‌کارت‌های اعتباری برای تأمین مالی نهاده و... - برنامه کارت اعتباری کشاورزی هند - کارت منفعت خویشاوندی در چین - کارت تولیدکننده در ترکیه	تأمین مالی زیرساخت - شرکت نظام‌های آبیاری با مسئولیت محدود در هند	تأمین مالی زنجیره ارزش در قالب توافقات سه‌جانبه و یا چندجانبه - شرکت کشت غلات پنجاب (PAFC) - مدل وام‌دهی نماینده کشاورزی توسط بانک خصوصی آی‌سی‌سی (ICICI) در هند - شرکت‌های کسب‌وکار کشاورزی دراگون‌هد چین (مدل شرکت + روستا (پایه) + مزرعه (یا خانوار)) یا (شرکت + واسط + خانوار) یا (مزرعه + تعاونی + شرکت) - توافقات شرکت بافیرا و بانک خصوصی ای‌س‌بانک (Isbank) در ترکیه
تأمین مالی رسید انبار - بانک Rabo و HDFC در هند - رسید انبار غیراستاندارد در چین	ابزارهای جایگزین وثیقه - صندوق‌های تضمین اعتبار (CGTMSE) هند - برنامه‌های تضمین اعتبار چین - صندوق تضمین اعتبار (KGF) و واحد تعاونی تضمین و اعتبار عمده‌فروشان و کاسبان ترکیه (TESKOMB)	تأمین مالی حساب‌های دریافتی (فاکتورینگ) - فعالیت بانک خصوصی یاپی کردی (Yapi Kredi) ترکیه در زمینه فاکتورینگ

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تأمین مالی روستاییان در.....

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، با در نظر گرفتن جنبه‌هایی از نوسازی و حمایت مالی کشاورزی کشورهای منتخب، درس‌هایی ارزشمند آموخته شده است، که می‌تواند مبنا و اساسی برای بهبود نظام تأمین مالی کشور باشد. بر اساس شواهد موجود، ترویج بازارهای مالی کشاورزی کامل‌تر، کارآمدتر، رقابتی‌تر و پایدارتر در گرو نوآوری در طراحی ابزارهای مالی به‌جای افزایش منابع است.

با توجه به دستاوردها و نتایج بررسی مدل‌های تأمین مالی کشاورزی در کشورهای منتخب، فرآیند تأمین مالی طراحی شده برای بهبود نظام مالی کشاورزی کشور در قالب شکل ۹ ارائه شده است. نظام تحویل مالی طراحی شده ترکیبی از نظام سرمایه‌داری، تأمین مالی مبتنی بر بازار و مسئولیت اجتماعی است.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۹- الگوی طراحی شده برای بهبود و توسعه نظام تأمین مالی بخش کشاورزی

بر اساس فرآیند طراحی شده، مداخلات دولت تنها با هدف رفع ناکارایی‌های خاص در بازار مالی کشاورزی انجام می‌گیرد. ترغیب مؤسسات مالی برای گسترش دامنه خدمات به مشتریان یا مناطق خاص، تأمین مخارج اولیه تحقیق و روش‌های مؤثر خدمات‌رسانی به مشتریان هدف و فراهم‌سازی خدمات غیرمالی مانند آموزش مهارت‌های پایه‌ای از طریق همکاری مؤسسات مالی و سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد) از جمله مداخلات دولت با هدف افزایش کارایی در بازار مالی است. اما نکته برجسته و متمایز در این فرآیند و الگوی طراحی شده تعریف و تنظیم روابط یکپارچه<sup>۱</sup> و هماهنگ<sup>۲</sup> بین بانک و بیمه از یک‌سو و بانک و بورس از سوی دیگر است. بر اساس الگوی یادشده، کشاورزانی به اعتبارات دسترسی خواهند داشت که بیمه شده باشند و بیمه به‌عنوان پیش‌نیازی برای فراهم شدن امکانات مؤسسات اعتباری این بخش در نظر گرفته می‌شود که ریسک تولید و ریسک‌های آب‌وهوا را کاهش می‌دهد. بازار سرمایه و بورس نیز از طریق همکاری با بانک یا موسسه اعتباری، می‌تواند با فراهم آوردن ابزارهای جایگزین وثیقه مانند رسید انبار، ریسک‌های مالی و نیز ریسک قیمت را کاهش دهد. البته دولت هم در این زمینه با فراهم‌سازی اطلاعات بورس کالا، می‌تواند تضمین‌های لازم را به‌جای وثیقه مرسوم ارائه دهد. این یکپارچگی بین خدمات بانک، بورس و بیمه، ضمن کاهش ریسک‌های موجود در بخش کشاورزی، امکان توسعه تأمین مالی را نیز فراهم می‌آورد و مؤسسات بیشتری به تأمین مالی این بخش ترغیب خواهند شد. از آنجا که یکی از حوزه‌های مداخله مورد نیاز، آموزش به‌منظور افزایش سطح کسب‌وکار و نیز آگاهی به مسائل مالی است، این موضوع و سایر خدمات نیز در این فرآیند دیده شده است که توسط بانک، بیمه و یا بورس در دسترس کشاورزان و یا گروه‌های جمعی آنها قرار خواهد گرفت.

۱ - یکپارچه‌سازی به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، همکاری (بلندمدت) بنگاه‌ها و سازمان‌های مختلف درگیر در زنجیره عرضه، که از نظر حقوقی از هم جدا هستند و در تولید یک محصول یا خدمت کار می‌کنند، به گونه‌ای مطلوب انجام شود.

۲ - روابط هماهنگ عبارت است از هماهنگ‌سازی اطلاعات، مواد و جریان‌های مالی در طول زنجیره ارزش.

پس از همکاری‌های لازم بین بانک، بورس و بیمه به فراخور نوع رابطه تعریف شده، تقاضای وام کشاورز پاسخ داده می‌شود. این تقاضا یا می‌تواند از طریق کشاورز انفرادی صورت گیرد یا از طریق تشکل‌ها، تعاونی‌ها، سمن‌ها و یا گروه‌های خودیاری درخواست شود که خود آنها نیز می‌توانند در این زنجیره، روابط مالی تعریف شده جداگانه با کشاورز داشته باشند. حمایت از کشاورزان خرده‌پایی که برای رسیدن به یک هدف معمول، توسط نهادهای بانکداری رسمی گروه‌بندی شده‌اند، منجر به عملکرد بهتر در زمینه پوشش‌های وام و کاهش هزینه‌های معامله در مقایسه با سازوکارهای سنتی می‌شود، چراکه در این حالت، گروه مسئول کل وام است و سرمایه‌گروهی به شکل تعهدات مشترک ایجاد می‌شود. البته در کنار جریان‌های مالی، خدمات آموزشی و راهنمایی‌های لازم نیز برای افزایش بهره‌وری کشاورز، در این گروه‌ها رد و بدل خواهد شد. در فرآیند طراحی شده، همچنین، کشاورز مختار است که برای تأمین مالی نیازهای فعالیت خود، به فرآوری‌کننده، عمده‌فروش و یا تاجر روی آورد که در این صورت، می‌تواند توافقات دوجانبه، سه‌جانبه و یا چندجانبه با نامبردگان انجام دهد و بدین ترتیب، بانک به اعتبار این نوع تضمین‌کنندگان، وجوه لازم را به کشاورز اعطا کند. در توافقات چندجانبه، علاوه بر توافق بین بانک، فرآوری‌کننده و کشاورز، بازیگر دیگری مانند تأمین‌کنندگان نهاده‌های مورد نیاز بخش کشاورزی نیز می‌تواند با فرآوری‌کننده بر سر تأمین مالی کشاورز وارد مذاکرات مالی شود. البته تأمین‌کنندگان نهاده، خود به صورت مجزا هم می‌توانند با کشاورز یا گروه‌های جمعی کشاورزان وارد این مذاکرات شوند و بسته به نوع نهاده، ترتیبات مالی لازم تدارک دیده شود. توافقات چندجانبه، بسته به نوع نیاز مالی، خود می‌تواند به انواع قراردادهای اجاره (لیزینگ)، تأمین مالی حساب‌های دریافتی (فاکتورینگ)، قراردادهای خرید مجدد (ریپو)، تأمین مالی رسید انبار و... تقسیم‌بندی شود. برای نمونه، فرآوری‌کنندگان و تاجران نسبت به کشاورزان از تأمین مالی رسید انبار بیشتر می‌توانند بهره بگیرند؛ البته، کشاورزان نیز می‌توانند از طریق تعاونی‌ها و یا تشکل‌های درگیر در صادرات از این ابزار مالی استفاده کنند. در این فرآیند، با تشویق و به ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی و

همچنین، حمایت از ایجاد این واحدها، امکان تأمین مالی از طریق اوراق سهام را می‌توان برای فعالیت‌های کشاورزی نیز فراهم ساخت.

به لحاظ وعده‌دار بودن قراردادهای مالی و بعد زمانی آنها، واسطه‌گران مالی و مشتریان، به‌منظور تعیین ریسک معاملات و محیط اقتصادی و سیاسی باثبات برای تکمیل قرارداد در طول زمان، به اطلاعات جامع نیاز دارند و باید به‌طور مقتضی، در ارزشیابی ریسک‌های مربوط آزاد باشند؛ همچنین، باید بتوانند در صورت عدم پذیرش شرایط قرارداد، تدابیر معقول را به کار بندند. افزون بر این، استفاده از نرخ‌های بهره بازار نیز در مقام یک پیش‌شرط اساسی در تلاش برای دستیابی به کارآیی عملیاتی و استقلال مالی مؤسسات مالی کشاورزی مطرح است.

بر اساس نتایج و دستاوردهای پژوهش حاضر، می‌توان در راستای تأمین مالی روستایی در فضای تأمین مالی کشاورزی ایران، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه کرد:

- ۱- با بررسی نظام‌های تأمین مالی کشاورزی، می‌توان متوجه شد که اگرچه پیشرفت‌های فناوری و بهبود نظام‌های مالی به گشودن راه‌های سرمایه‌گذاری جدید برای بخش کشاورزی کمک می‌کند، اما در ایران، این پیش‌نیازها همچنان فراهم نیست. قطعاً وجود زیرساخت یکی از نیازهای حیاتی مرتبط به‌شمار می‌رود. بر این اساس، ایجاد ظرفیت‌های جدید زیرساختی و کارگشا در بحث مدیریت منابع مالی و سرمایه‌ای و استفاده بهینه از منابع موجود می‌تواند برای رونق هرچه بیشتر فضای تأمین مالی بخش کشاورزی مفید باشد.
- ۲- از آنجا که ایجاد یک محیط سیاستی مطلوب برای افزایش رقابت بانکی در تأمین مالی بخش کشاورزی و روستایی و گسترش بخش مالی آن لازم است، باید اقداماتی در زمینه اصلاحات نهادی و ظرفیت‌نظارتی انجام شود. از این‌رو، نقش سیاست‌گذاران در ایجاد محیط مالی جذاب و انگیزشی حیاتی است. وجود قوانین پشتیبان مناسب که ناشی از سیاست‌گذاری این افراد است، مسائل مالی را مورد هدف و تأثیر خود قرار می‌دهد. البته، باید قوانین و سیاست‌های حمایتی به‌گونه‌ای تنظیم شود که کمترین انحراف را در بازار



ایجاد کند. طبق بررسی‌های انجام‌شده در کشورهای منتخب- عضو سازمان تجارت جهانی- «جعبه سبز» از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی مجاز در بخش کشاورزی و توسعه روستایی (با کمترین میزان انحراف بازار) به‌شمار می‌آید؛ از این‌رو، با در نظر گرفتن چارچوب حمایت‌های سبز، می‌توان مسیر صحیح نحوه تأمین مالی بخش کشاورزی را نشان دهد.

۳- از آنجا که نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور متشکل از بخش خصوصی، نظام بانکی و دولت دچار ناهماهنگی در اتخاذ راهکارهای تأمین سرمایه مورد نیاز بخش کشاورزی و روستایی است، توجه بدین ناهماهنگی‌ها و شکاف موجود بین برنامه‌ها و راهبردهای هر دو بخش دولتی و خصوصی، که همه بازیگران زنجیره ارزش کشاورزی را شامل می‌شود، می‌تواند راهگشای برون‌رفت از مسائل مالی این بخش باشد. از جمله پیشنهادهای مرتبط می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه از مهم‌ترین روش‌های تأمین مالی قابل اتکا در بخش کشاورزی است که طبق تجارب ارائه‌شده، استفاده از قبض یا رسید انبار در این بازار از متداول‌ترین و مفیدترین ابزارهای مالی معرفی شده است. همچنین، انتشار اوراق مشارکت و بهادار با بهره معقول برای تأمین مالی بخش کشاورزی، ورود بازار سهام بدین بخش و استفاده از ظرفیت‌های موجود در این بازار می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت مطلوب برای ملحق شدن بخش غیردولتی و دولتی در ایجاد و تعریف زمینه‌های نوین مشارکت مالی و تلاش در راستای افزایش انگیزه‌های پس‌انداز و تجهیز بخش کشاورزی باشد.

- راهکار دیگر تأمین مالی کشاورزان مبادله‌داری‌ها و بدهی‌های مالی میان تولیدکنندگان و عاملان اقتصادی فعال در بخش کشاورزی است؛ این راهکار، با بهره‌گیری از مشارکت آنها در بنگاه‌های مالی و صندوق‌های غیردولتی و با کمترین میزان کمک‌گیری از یارانه‌های دولتی، روشی پایدار برای تأمین مالی بخش کشاورزی

خواهد بود. در این زمینه، تجمیع فعالان مالی غیردولتی و مشارکت فعال آنها با بانک‌های عامل در پروژه‌های کشاورزی، توسعه شرکت‌های اعتباری و بانک‌های جدید در مناطق روستایی (کم‌برخوردار از تسهیلات بانکداری)، و توسعه دامنه فعالیت مراکز مالی غیردولتی را نباید نادیده گرفت. تجربه ارتباط بانک و گروه‌های خودیار و مؤسسات مالی خرد هند، شرکت‌های اژدهاسر چین و شرکت‌های فرآوری کننده ترکیه را می‌توان از نکات الهام‌بخش موجود برشمرد.

- لازم به ذکر است که ترویج ارتباطات مؤثر بین کشاورزان و فرآوری کنندگان، از یک سو و نیز بین فرآوری کنندگان و سازمان‌های اعتباری، از سوی دیگر، می‌تواند کمک شایانی به تأمین بودجه و منابع مالی این بخش کند. بنابراین، به‌هم‌پیوستگی بازارهای اعتبار و محصول/نهاد بسیار مهم است و باید به رسمیت شناخته شود.

- شناسایی دقیق زنجیره‌های ارزش دارای بیشترین توان توسط سیاست‌گذاران نیز از جمله اقدامات مهم دیگری است که می‌تواند به افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران و ارزیابی دقیق ریسک و انتخاب مشتریان و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری کمک زیادی کند. در این ارتباط، طبقه‌بندی کشاورزان بر اساس نظام‌های کشاورزی، نهاده‌های تولیدی کشاورزی و محصولات مهم کشاورزی به مشخص شدن تقاضای مؤثر آنها برای محصولات اعتباری کمک می‌کند.

۴- برنامه‌ریزی و تخصیص وجوهی برای کاهش ریسک تأمین مالی بخش کشاورزی از جمله اقدامات مهم دیگری است که همواره بر آن تأکید شده است. در حالی که نظام‌های نهادی و محصولاتی مانند قراردادهای آتی و اختیاری از توان بالا برای به‌حداقل‌رساندن ریسک وام‌دهی برخوردارند، استفاده از صندوق‌های تضمین اعتبار دولت برای حمایت از وجوه تضمینی، متنوع‌سازی روش‌های بیمه کشاورزی و ملحق شدن آنها به نهادها و مؤسسات مالی بخش کشاورزی نیز می‌تواند ابزارهای مالی مفید و مؤثری برای کاهش ریسک بخش کشاورزی باشد و تأمین مالی این بخش را تسریع کند.

۵- جذب و شناسایی سرمایه‌گذاران مایل به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با افزایش انگیزه‌های مشارکت در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه کشاورزی از طریق شناسایی هزینه‌های مؤثر و انعطاف‌پذیری نظام مالی در پرداخت وام‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت برای استفاده در روش‌ها و خط‌مشی‌های تازه در زمینه بهینه‌سازی تولید از دیگر راهکارهای قابل ذکر در این راستاست. در این میان، نباید از نقش دولت و سازمان‌های دخیل در بخش کشاورزی همچون بانک‌ها، مؤسسات و مراکز مالی غافل شد. مواردی از قبیل دریافت وثیقه‌های سنگین، زمان‌های طولانی مدت انتظار برای دریافت تسهیلات، اعتبارات اندک، سیاست‌های دستوری دولت در زمینه بهره و مسائلی از این قبیل شرایط را برای رشد و بلوغ نظام تأمین مالی کشور دشوار می‌سازد.

۶- با توجه به اهمیت هزینه‌های مبادله در نظام بانکی، به‌منظور کاستن از میزان این هزینه‌ها، علاوه بر افزایش بهره‌وری نظام بانکی، شایسته است که به انعطاف‌پذیری در پرداخت‌های اعتباری، تسهیل روال پرداخت تسهیلات به‌ویژه اخذ تضمین و ماشینی کردن پرداخت‌ها، افزایش اطلاع‌رسانی به متقاضیان تسهیلات و کاهش فاصله زمانی و مکانی متقاضیان از طریق گسترش شعب بانکی توجه شود و الگوی تسهیلات‌دهی گروهی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و جدیدترین تجارب جهانی در عرصه پرداخت تسهیلات، در دستور کار مدیران نظام بانکی به‌ویژه بانک کشاورزی قرار گیرد.

۷- از آنجا که بخش کشاورزی کشور از خرده‌مالکی رنج می‌برد، باید در تنظیم سیاست‌های اعتباری، با تمرکز بر وام‌گیرندگان کوچک و خرده‌پا و همچنین، وام‌دهی اجباری برای بخش اولویت‌دار و فعالیت‌های کشاورزی (مشابه تجربه هند)، به افزایش امکانات بهره‌مندی این بخش توجه شود؛ البته، تناسب زمان پرداخت وام به کشاورزان با فعالیت‌های زراعی آنها نیز نکته‌ای درخور توجه است که نباید نادیده گرفته شود.

## منابع

1. Bagheri, M., Turkmani, J., Moezzi, F. and Karami, A. (2011). An analysis of credit scoring for agricultural loans, case study of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province. *Agricultural Economics and Development*, 19(73): 147-171. (Persian)
2. Becerra, N. (2015). Exploring opportunities to introduce or expand value chain finance. Available at: <http://www.fs.de>.
3. Belozertsev, A., Rutten, L. and Hollinger, F. (2011). Commodity exchanges in Europe and Central Asia: a means for management of price risk. Working Paper Prepared under the FAO/World Bank Cooperative Programme. Available at: <http://www.fao.org/3/a-at655e.pdf>.
4. Carter, S.H. (2013). Financial intermediation, growth, and microfinance in Turkey: A quantitative study. Economics -Theses. Paper 1.
5. Duwal, B.R. and Sun, S.y. (2013). Research on rural financing in China with reference to village and township banks: an overview. *International Journal of Business and Management*, 8(4): 75-84.
6. FAO (2014). FAOSTAT: statistics. Retrieved from Food and Agriculture Organization of the United Nations. Available at: <http://faostat3.fao.org>.
7. Gale, F., Lohmar, B. and Tuan, F. (2009). How tightly has China embraced market reforms in agriculture?. *Amber Waves*, 7(2): 30-35.
8. Hess, U. (2003). Innovative financial services for rural India. The Agriculture and Rural Development Department of the World Bank. Available at: <http://www.documents.worldbank.org>.
9. Hollinger, F., Rutten, L. and Kiriakov, K. (2009). The use of warehouse receipt finance in agriculture in transition countries. Working Paper Presented at the World Grain. Available at: <http://Forum.www.fao.org>.
10. Hosseini, S.A. and Zibaei, M. (2015). Factors influencing loan default among farmers in Mamasani. *Journal of Agricultural Economics Research*, 7(27): 203-220. (Persian)
11. Karimi, F. and Zahedi Keyvan, M. (2010). Optimal allocation of bank credits to applicants in different sectors of agriculture with the help of fuzzy logic. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 18(56): 53-72. (Persian)
12. Kazemiyani, M. (1996). Monetary policies and the impact of bank credits (a theoretical study in the framework of credit quota theory and monetary policy analysis in Iran). *Quarterly Journal of Planning and Budgeting*, 1(5): 5-27. (Persian)

13. Kevin, Z.C., Chen, Y. and Hsu, C. (2015). PRC: study on modern agriculture demonstration area planning and financial support mobilization – international lessons on financing agricultural modernization. Financed by the Technical Assistance Special Fund. The Asian Development Bank TA, No. 8126: Study on Modern Agricultural Demonstration Area Plan and Financial Support Mobilization.
14. Kumar, D. (2014). Agriculture credit reform and financial inclusion in India. *International Journal of Business Quantitative Economics and Applied Management Research*, 1(4): 70-84.
15. Linghui, H. and Hare, D. (2013). The link between credit markets and self-employment choice among households in rural China. *Journal of Asian Economics*, 26: 52-64.
16. Pajouyan, J. and Farzin Motamed, A. (2006). Investigating the effectiveness of agricultural bank credits on investment and employment in the agricultural sector. *Journal of Peak Noor*, 4(2): 15-33. (Persian)
17. Ramakrishna, V. (2016). A comprehensive study on the role of RBI in agricultural credit. *World Wide Journal of Multidisciplinary Research and Development*, 2(7): 19-22.
18. Rutten, L., Galindo, R., Vargas, E., Alba, R.L., Osorio, M., Chilavert, F. and Obara, B. (2010). Models of agricultural value chain financing: perspective of chain members. In: *Agricultural Value Chain Finance*. Costa Rica.
19. Soundarrajan, P. and Vivek, N. (2015). A study on the agricultural value chain financing in India. *Agri. Econ-Czech*, 61(1): 31-38.
20. Wang, J., Chen, M. and Klein, P. (2014). China's Dairy United: organization, governance, and safety: teaching notes. Presentation at the Agricultural and Applied Economics Association Annual Meeting, Minneapolis, MN, July 27 -29.
21. World Bank (2011). Subsidies as an instrument in agriculture finance: a review. Joint Discussion Paper 2011. Washington, DC: World Bank.
22. Yang, X., Rajaonarison, H.M. and Hisano, S. (2016). Financialization of agriculture in China: the role of private equity firms, agribusiness companies and local governments. Asian Platform for Global Sustainability and Transcultural Studies (AGST) Working Paper Series No 2016-02, October 2016 Kyoto University, Japan Gateway Program.

